

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

اشعار لاهوتی قطعه ها و منظومه ها

فرستنده : جاوید

۱۱ جنوری ۲۰۲۱

ترک عشق

بس که کردی ستم ، از عشق تو دندان کندم
ای دریغا ، که جوی در نظرش قدر نداشت

بین چه سان پرهنرم من، که دل از جان کندم
آن همه جان ، که من اندر ره جانان کندم

پاسخ به تبریک با تیلفون

خوش بود خوشبختی اما خوشتر است آن دم که جان
دوستان را گرم سازد چون شود روشن از آن

روی شاد دوست را می بینم از آواز او
جوشد و آید به دل شادی و بر جسم توان

شب هجران

چشم و گوش کسی ای ماه ، نه دید و نه شنید
نفس اشکی شد و از دل به ره دیده پرید

آن ستم ها که شب هجر تو، با این دل کرد
خواب دردی شد و از دیده به دل منزل کرد

تو را دیدم

با یاد تو خوابم برد ، در خواب تو را دیدم
شادان مژه بگشودم ، بگریختی از چشمم

از پنجره ام تابید مهتاب ، تو را دیدم
از درد فشاندم اشک ، در آب تو را دیدم